

بازنگری قانون اساسی و بازسازی نظام به چه معناست؟

لوازم بازسازی نظام سیاسی



عکس‌ها: امیر جمشید

به‌از مقدسی | علی‌اکبر تاطق‌نوری، مشاور مقام معظم رهبری و رئیس بازرسی دفتر رهبری هفته گذشته در آستانه سی‌وهشتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در آستانه سی‌وهشتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «قانون اساسی نیاز به بازنگری دارد و نظام ما نیاز به بازسازی دارد.» این سخنان اگرچه به تیر اول روزنامه بدل شد اما سخن تازه‌ای نبود.

۵سال پیش مقام معظم رهبری در دیداری با دانشگاهیان کرمانشاه داشتند به ظرفیت منقطع نظام برای نوسازی پرداخته و ضمن بیان این که «مسئله پیرو و جوانی نظام اسلامی چگونه قابل تحلیل است؟ آیا نظام، روزی پیر و از کار افتاده خواهد شد؟ آیا راهی برای جلوگیری از این فرسودگی وجود دارد؟» در تشریح آن گفته بودند: «نظامی نظام به هیچ وجه به معنای تجدید نظر در آرمان‌ها نیست بلکه به معنای تغییر در سیاست‌ها و نظام‌ها و تدابیر است که این مسئله می‌تواند مانع از تجزیه نیز بشود و با تکیه بر آرمان‌های همیشه جوان و نو نظام اسلامی را، همیشه جوان، شاداب، بالنده و پیش‌رونده نگه دارد.» ایشان در همان سفر به این نکته نیز پرداختند که «امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهوری را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اما اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلا نظام پارلمانی مطلوب است هیچ اشکالی در تغییر سازوکار فعلی وجود ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندی را به یک خط دیگر هندسی تبدیل کند.»

از آن پس بحث درباره نوسازی نظام سیاسی کشور در گرفت و حتی گفته شد مجلس اولوگرایی نهم نیز طرحی را برای تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی مطرح کرد. مجلس با تشکیل فرآیند کمیته‌ای طرح تغییر نظام ریاستی به نظام پارلمانی را مورد بررسی قرار داد. عیاضعلی کدخدایی، سخنگوی وقت شورای نگهبان در اظهار نظری در این باره گفته بود که حذف نهاد رئیس جمهوری انتخابی با ماهیت نظام جمهوری اسلامی مغایرتی ندارد و خلی به جمهوری نظام وارد نمی‌کند. علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز یکی از موافقان این نگرش

●●●

بود و در موضع دفاع در برابر تبدیل نظام ریاستی به نظام پارلمانی قرار گرفت و در این باره گفت: «در کشورهایی که به شکل حکومت پارلمانی اداره می‌شوند، رئیس جمهوری به وسیله پارلمان انتخاب می‌شود، این شیوه نکات مثبتی دارد. البته این که زمان پیاده‌کردن چنین شیوه‌ای چه زمانی باشد، بحثی است که باید روی آن بررسی دقیق انجام شود.»

اما مدت زمانی بعداً پت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از دیدار خود با مقام معظم رهبری بعد از بازگشت‌شان از سفر کرمانشاه خبر داد و گفت: «رهبری معظم در کرمانشاه جمله‌ای گفتند که از آن تفسیر سوء شد. منظور ایشان مطلب دیگری بود. بحث ایشان این بود که در نظام ما بن‌بست نیست، یعنی کسی نباید فکر کند که بن‌بست داریم و اگر ما حتی بخواهیم نظام اداره کشور را تغییر دهیم، قانون اساسی را اصلاح و تغییر می‌دهیم. اصل نظرشان این بود. وقتی ایشان از سفر برگشتند، در دیداری حضوری پرسیدم که منظور شما چه بوده است؟ ایشان گفتند همان بحث همیشه‌گی، یعنی این که بن‌بست نداریم، گفتم یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس گفتند است که شما یک سالی است که کمیسیون تعیین کرده‌اید. ایشان گفتند: درست نیست و اصلاح این کار را نکرده‌ایم و اطلاع داده‌ایم که این ادعا تکذیب شود. از آن زمان به بعد هم بحث‌ها فروکش کرد.»

بعد از طرح این موضوع، بحث تغییر نظام سیاسی از ریاستی به پارلمانی خاموش شد و دیگر کسی به آن نپرداخت اما موضوع نوسازی سیاسی گوی فراموش نشد تا این که اکنون بعد از ۵سال از مطرح‌شدن آن علی‌اکبر تاطق‌نوری، مشاور مقام معظم رهبری و رئیس بازرسی دفتر رهبری در تازه‌ترین سخنانش خود از بازسازی نظام سخن می‌گوید. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هفته گذشته و در آستانه سی‌وهشتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در این باره گفت: «طبیعی است که در شرایط انقلاب در هر جای دنیا برای این که زودتر شرایط را سامان دهند، با شتاب و عجله، اساسنامه و قانون اساسی می‌نویسند و شکل می‌دهند.

امام (ره) فشار آوردند که مجلس زود تشکیل شود و قبل از مجلس هم فشار آوردند که زود قانون اساسی تصویب شود و در این جا خیلی هوشمندانه عمل کردند تا در کشور هر چه

دارند، ما باید به این موضوع توجه کنیم که اگر زمانی نظام بخواهد برای بهبود وضع موجود بازنگری قانون و نوسازی سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد، تمام ابعاد آن را باید لحاظ کند.

ضمن آن که گاه این تغییر و تحول ضروری است و اگر صورت نگیرد آن وقت ملاحظات انباشته به وجود خواهد آمد که لازم است برای حل آن مطالبات راهی یافت. به همین دلیل است که تغییر و بازبینی در قانون اساسی کشور، در خود قانون پیش‌بینی شده و باید برای بهبود و پیشبرد کشور به آن استناد کرد.

ضرورت طرح برخی از مباحث و عملیاتی کردن آنها گاه ضروری است. وقتی ابی که در یک نقطه جمع می‌شود اگر نتواند از منافذی خارج شود، آن وقت ممکن است خساراتی به وجود بیاید. این مثال برای شرایط و سیاست‌های اداره یک کشور نیز

برای عضویت در این هیأت معرفی کرد. این گروه در جلسات مفصل و طولانی در قانون اساسی تغییراتی به‌وجود آوردند. از جمله نظام سیاسی ما از پارلمانی به ریاستی تغییر کرد. همچنین بندی در قانون برای بازنگری‌های مجدد نیز گنجانده شد. فصل چهاردهم قانون اساسی که شامل یک اصل است به «بازنگری در قانون اساسی» اختصاص دارد.

این اصل در نخستین قانون اساسی اولیه وجود نداشت و در اصلاحات سال ۶۸ بدان اضافه شد. در اصل یکصد و هفتادوهمه که آخرین اصل قانون اساسی است، می‌گوید: «بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهوری موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید: اعضای شورای نگهبان، رؤسای قوای سه‌گانه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۵ نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۰ نفر به انتخاب مقام معظم رهبری، ۳ نفر از هیأت وزیران، ۳ نفر از قوه قضائیه، ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۳ نفر از دانشگاهیان. شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شوروی پس از تأیید و امضای مقام معظم رهبری باید از طریق مراجع به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد.

برخی از موافقان بازسازی نظام سیاسی معتقدند بازسازی نظام سیاسی با حفظ اصول انقلاب می‌تواند سیستم مدیریتی و اجرایی را منظم‌تر و به سمت پیشرفت اداره کشور هدایت کند. با این حال رأس تمام این بحث‌ها در رابطه با تغییر نظام از ماهیت ریاستی به پارلمانی بود. بر اساس نظام ریاستی، رئیس جمهوری، رئیس دولت و نخستین مقام اجرایی کشور است و مهم‌ترین مسئولیت اجرایی را دارد. در این نظام تعیین وزیران بر عهده رئیس جمهوری است و پارلمان در انتخاب وزرا نقش و دخالتی ندارد، فقط می‌تواند آنها را تأیید یا رد کند. اما در نظام‌های پارلمانی رئیس دولت، نخست‌وزیر است و رئیس جمهوری نقش مهمی را بر عهده ندارد. قدرت اصلی در دست نخست‌وزیر و هیأت دولت منتخب پارلمان است. در این نظام، میان رئیس کشور و رئیس قوه مجریه تفاوت وجود دارد. در واقع اقتدار نمایان و قدرت رئیس‌جمهوری است و معمولاً تشریفاتی است و رئیس قدرتمند حکومت که نخست‌وزیر است، تقسیم می‌شود.

با این حال در هر دو سیستم هم نقاط و هم مزایایی وجود دارد. به همین دلیل در کشور ما حکومت دارای ساختار متشکل از این دو نظام است. به این معنی که در تعریف اصلی «نظام ریاستی» تعیین وزیران بر عهده رئیس جمهوری است و پارلمان در آن دخالتی ندارد، وزیران در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی ندارند و نمایندگان نمی‌توانند آنها را استیضاح کرده یا با رأی عدم اعتماد برکنار کنند.

در مقابل رئیس‌جمهوری نیز قبلاً پیشنهاد لایحه را ندادند. اما در قانون اساسی ایران با وجود نظام ریاستی، مجلس دارای اختیارات زیادی از جمله امکان نظارت بر دولت است و در واقع ساختار نظام در ایران تلفیقی از دو شیوه پارلمانی و ریاستی قلمداد می‌شود. با همه این تفاسیر این روزها موضوع بازسازی سیاسی دوباره مطرح شده است. امروز «صحه یک پرسش چند پاسخ» از صاحب‌نظران و سیاستمداران کشور در رابطه با ابزار بازسازی اساسی کشور در این پرسش را مطرح کرده است که برای نوسازی نظام سیاسی چه ملاحظاتاتی را باید در نظر داشت تا به اصول اصلی نظام جمهوری اسلامی ضربه‌ای وارد نشود؟

ترمیم مهم‌تر از بازسازی است

صادق است، یعنی یک نظام در طول دوره حکومتش باید به کم‌وکاستی‌ها و آزمون و خطاهایی که در اداره کشور به دست می‌آورد، به شکل یک تجربه نگاه کند و در فواصل زمانی که جامعه و کشور آمادگی پذیرش تغییرات را دارند، دست به بازسازی و نوسازی بزند.

البته باید آذنان داشت که در حال حاضر بسیاری از مشکلاتی که مطرح شود، هیچ ارتباطی با قانون اساسی کشور ندارند. در واقع برخورد‌های جناحی و رفتارهای سیاسی گاه این نگاه را به‌وجود می‌آورد که نظام ما با تنگنا روبرو شده یا نظام سیاسی اجتماعی ما پویایی خود را از دست داده است.

عضوی از افراد که در برخی از نهادها هستند، رفتارهای جناحی دارند. رفتار آنها این موضوع را پیش می‌آورد که باید راه دیگری یافت یا با بازبینی در قانون اساسی مشکلات را پایان داد، در حالی که این ایراد

فاکتورهای حکمرانی خوب

برخی از مواد قانون اساسی وجود دارند که با به آنها عمل نشده یا به آنها توجه نشده است. در شرایط فعلی قبل از هر چیز باید عملکرد دولت‌ها و نهادهای مسئول کشور را ارزیابی کنیم تا اگر در مواقع یا کم‌وکاستی یا کمبود قانونی وجود داشته باشد در صدد رفع آنها برپاییم. به همین خاطر شاید بتوان در برخی از اصول‌های قابل تغییر قانون اساسی بازنگری کرد تا متناسب با شرایط جامعه اسلامی، یک حاکمیت خوب را در جریان انقلاب اسلامی شکل دهیم. امروزه در دنیا بحث حکمرانی خوب (Good government) مطرح است که از اصلی‌ترین فاکتورهای آن مشارکت بیشتر مردم، شفافیت دولت، قوانین و مقررات مطابق با نیازهای جامعه است. به همین خاطر نیز اگر سیاستمداران ما بازنگری قانون اساسی صحبت می‌کنند، به قوانین قابل تغییر قانون اساسی اشاره می‌کنند تا بتوانند در کنار تجدید میثاق با مقام معظم رهبری جهت‌رشدو تعالی جامعه به‌روز شوند.

حسین کنعانی مقدم

اصولگرا و عضو جبهه استادی



شاید صحبت‌های اخیر آقای تاطق‌نوری در رابطه با بازنگری قانون اساسی و بازسازی نظام برگرفته از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ مَا يُقُومُ حَتَّى يُغْفَرُوا مَا بَأْسَهُمْ، قرآن باشد، به این معنی که در هیچ جامعه‌ای تغییر ایجاد نمی‌شود، مگر خودشان بخواهند. در رابطه با این موضوع نیز تغییر به معنی تعالی، رشد و تحقق آرمان‌هاست. همان‌طور که انقلاب اسلامی نیز با به پیروزی رسیدن همین تغییر و روش را به کشور تعمیم داد. اما تغییر در شیوه‌های حکومتی یا حکمرانی در مقاطع مختلف مطرح می‌شود. در رابطه با این موضوع باید گفت هنوز مواردی در قانون اساسی وجود دارد که محقق نشده در صورتی که باید قانون اساسی را که بر خاسته از آرا مردم و خون شهیدان است، محقق کنیم.

نقش احزاب سیاسی

در زمان رفراندوم پررنگ می‌شود

کلان و قانونی کشور را به مسائل سیاسی می‌کشاند و از حالت تخصصی‌اش خارج می‌کنند. در صورتی که اگر یک‌روز در نظام جمهوری اسلامی تصمیم‌بازنگری قانون اساسی و بازسازی نظام گرفته شود، این کار باید با مطالعات کارشناسی دقیق و به دور از جنجال‌های سیاسی صورت بگیرد. شاید نقش احزاب بعد از بازنگری قانون اساسی و زمانی باشد که این متن نهایی به امضای رهبری می‌رسد و برای تصویب نهایی به همه‌پرسی گذاشته می‌شود. در این شرایط نقش احزاب در فرهنگ‌سازی و حضور مردم در رفراندوم پررنگ می‌شود.

با این حال اگر بخواهیم به موضوع بازسازی نظام بپردازیم باید ملاحظاتاتی را در نظر داشت. شاید بسیاری از صاحب‌نظران در رابطه با بازسازی نظام تنها به موضوع ریاستی یا پارلمانی شدن حکومت پرداخته باشند اما با واقع باید گفت که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی سال ۹۰ در جمع دانشجویان کرمانشاه این موضوع را به‌عنوان مثال مطرح کردند. سیستم پارلمانی تا قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ در کشور وجود داشت و من فکر می‌کنم امتحانش را پس داده و قطعاً ما به اشتباهات گذشته بر نمی‌گردیم. کشور باید یک فرآیند تکاملی داشته باشد و به همین خاطر قطعاً کارشناسان صاحب‌نظران نیز این موضوع را مدنظر خودشان قرار می‌دهند.

حمید رضاترقی

معاونین املا حزب مؤتلفه اسلامی



احزاب در بازسازی نظام نباید نقشی داشته باشند، چرا که این موضوع مربوط می‌شود به سیاست‌گذاری‌های کلان نظام به‌طوری که راه‌کارش نیز در اصل ۱۷۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به دستور مقام معظم رهبری و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت می‌گیرد و سپس طی حکمی خطاب به رئیس جمهوری موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌کند. ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی نیز عبارت است از: اعضای شورای نگهبان، رؤسای قوای سه‌گانه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۵ نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۰ نفر به انتخاب مقام رهبری، ۳ نفر از هیأت وزیران، ۳ نفر از قوه قضائیه، ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ۳ نفر از دانشگاهیان.

با این حال در هر دو سیستم هم نقاط و هم مزایایی وجود دارد. به همین دلیل در کشور ما حکومت دارای ساختار متشکل از این دو نظام است. به این معنی که در تعریف اصلی «نظام ریاستی» تعیین وزیران بر عهده رئیس جمهوری است و پارلمان در آن دخالتی ندارد، وزیران در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی ندارند و نمایندگان نمی‌توانند آنها را استیضاح کرده یا با رأی عدم اعتماد برکنار کنند.

در مقابل رئیس‌جمهوری نیز قبلاً پیشنهاد لایحه را ندادند. اما در قانون اساسی ایران با وجود نظام ریاستی، مجلس دارای اختیارات زیادی از جمله امکان نظارت بر دولت است و در واقع ساختار نظام در ایران تلفیقی از دو شیوه پارلمانی و ریاستی قلمداد می‌شود. با همه این تفاسیر این روزها موضوع بازسازی سیاسی دوباره مطرح شده است. امروز «صحه یک پرسش چند پاسخ» از صاحب‌نظران و سیاستمداران کشور در رابطه با ابزار بازسازی اساسی کشور در این پرسش را مطرح کرده است که برای نوسازی نظام سیاسی چه ملاحظاتاتی را باید در نظر داشت تا به اصول اصلی نظام جمهوری اسلامی ضربه‌ای وارد نشود؟

نمی‌توان یک نسخه را برای همه دوران پیچید

و آنچه سیاست‌های خارجی و داخلی در زمان‌های مختلف اقتضا می‌کنند را می‌توان با بازنگری قوانین و مقررات و حتی قانون اساسی مورد بازبینی و بازنگری قرار داد.

قانون اساسی یکبار دیگر نیز مورد اصلاح قرار گرفته است. در واقع این قانون که در سال ۵۸ به تصویب رسید، ۱۰ سال بعد با توجه به شرایط و تغییراتی که در جامعه ایجاد شده بود، این قانون بازنگری در قانون اساسی بود. این قانون ۶۸ نخستین و آخرین باری بود که این قانون اصلاح شد. با همه اینها امروزه نیز نباید نسبت به اصول قابل تغییر قانون اساسی حساسیت‌ها خرج دهیم، چرا که نگاه‌نوسازی و بازنگری نگاهی کاملاً متعالی برای پیشبرد اداره کشور به اقتضای دهه چهارم پیروزی انقلاب خواهد بود.

ابوالقاسم روثفان

دبیر کل حزب اسلامی ایران زمین



پیشرفت و تحول در همه جوامع نیازمند تغییرات است. در واقع نوخواهی و رشد چیزهایی هستند که در تکامل انسان‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کنند، بنابراین بازنگری در قانون اساسی یکی از ضروریاتی است که نمی‌شود آن را انکار کرد و نمی‌توان نسخه‌ای مشابه را برای دوران‌های مختلفی که نظام تجربه می‌کند، توجیه به ضعف سیاسی و یکپارچه و پاسخگو نبودن نهادهای مسئول تا زمانی که در کشور حل نشود بحث بازبینی و بازسازی نظام عملاً بی‌فایده است.

از دیگر سو بحث تغییر نظام ریاستی به پارلمانی نیز چندان مطلوب نیست. اگر در حال حاضر با وضع کنونی قدرت و اختیارات رئیس‌جمهوری را بگیریم و آن

محکم وارد و همان اجرا شود. لذا باید قانون انتخابات مورد بازبینی و بازسازی قرار بگیرد. این مسأله باعث شده که مجلس شورای اسلامی نیز متأثر از این نوع فیلترها عملاً و به‌خصوص در برخی از دوره‌ها کارایی چشمگیری در زمینه بهبود قانون و بهبود معضلات جامعه نداشته باشد. شورایعالی انقلاب فرهنگی یکی دیگر از نهادهایی است که در مقابل این حجم زیاد دانشگاه‌های خالی از دانشجو یا پایان‌نامه‌فروشی‌ها هرگز پاسخگو نبوده است. بنابراین هماهنگ و یکپارچه و پاسخگو نبودن نهادهای مسئول تا زمانی که در کشور حل نشود بحث بازبینی و بازسازی نظام عملاً بی‌فایده است.

در قفا متنخبی که اکنون نخست‌وزیر است، نماینده آرای اکثریت مردم نباشد. به همین خاطر به‌نظر می‌رسد این نگرش به نفع شرایط کنونی جامعه و حاکمیت نخواهد بود.

صادق زیبا کلام

استاد دانشگاه



هر زمانی که صحبت از تغییر برخی از موارد قانون اساسی یا بازسازی نظام به میان می‌آید، به تبع برخی از رجال کشور حالت تدافعی به خودشان می‌گیرند. البته باید به این موضوع اشاره کرد که بحث پیرامون بازسازی سیاسی و بازنگری قانون در برخی از حکومت‌ها جایگاه‌ها را تغییر می‌دهد. چنان که در نظام پارلمانی رئیس‌جمهوری نقش موثری ندارد یا در نظام ریاستی نخست‌وزیر نقش به معنای اول تقلیل پیدا می‌کند. لذا به همین خاطر این موضوع چندان به مذاق برخی‌ها خوش نمی‌آید. در واقع این تغییرات ممکن است باعث کاهش قدرت، اقتدار و جایگاهی که برخی در نظام سیاسی کشور